



فرهنگ کتاب‌زیرساخت

محمدعلی شامانی

در یک قرن اخیر، دیدگاه‌ها نسبت به «فرهنگ» و «فرهنگ‌سازی» دیگرگون شده است. به جرأت می‌توان گفت، رابطه‌ی میان فرهنگ و برنامه‌ریزی از جدی‌ترین موضوع‌های بحث‌انگیز دهه‌های گذشته بوده است و در این میان، تعیین شاخص‌ها و ارزشیابی برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، یکی از دشوارترین مباحث بوده و هست. زیرا عده‌ای معتقدند، «فرهنگ ذاتاً قابل اندازه‌گیری و سنجش نیست.» از این رو، کمی‌کردن و دستیابی به مقادیر کمی برای تحلیل واقع‌بینانه، یکی از مشکلات این عرصه است. گسترده‌ی عرصه‌ی فرهنگ و پیچیدگی‌های آن ملاحظات متعددی را می‌طلبد، اما همگان اتفاق نظر دارند که آمارها نمی‌توانند بیانگر واقعیت موجود باشند. نگاهی به نتایج حاصل از برنامه‌های فرهنگی، ما را متوجه این معنا خواهد کرد.

آنچه که بیش از همه در عرصه‌ی فرهنگ رخ می‌نماید، آمار نسبتاً مناسب تولید «کتاب» است. یکی از جدی‌ترین شاخص‌ها در سنجش میزان توسعه‌ی هر کشور، توجه به آمار کتاب‌های منتشر شده است. گرچه شاید برخی، تعبیر افزایش آمار چاپ کتاب به افزایش تعداد خوانندگان را نادرست بدانند، اما در هر صورت، آمار کتاب‌های منتشره، شاخصی است برای سنجش توسعه‌ی فرهنگی.

درک واقعیت توسعه‌ی فرهنگی، از طریق توجه به زیرساخت‌های اصیل آن میسر است. دستیابی به آمار صحیح از «کتابخوانان» بسیار مشکل می‌نماید، اما درحقیقت، «کتابخوانان» شاخص بسیار مهمی برای توسعه‌ی فرهنگی هستند. امروزه کتابخانه‌های عمومی و تالارهای مطالعه پر از کتابخوانان جوانی هستند که از فضای موجود، برای دستیابی به مکانی بی‌سروصدا به منظور مطالعه‌ی کتاب‌های آموزشی استفاده می‌کنند. با این حال، هنوز عادت به مطالعه میان کودکان، نوجوانان و جوانان این مرزوبوم نهادینه نشده است.

برنامه‌ریزی برای ایجاد عادت به مطالعه، حلقه‌ی مفقوده‌ی توسعه‌ی فرهنگی است و به این منظور، توجه به کتابخانه‌های آموزشی بسیار اهمیت دارد. شایسته است، با بازبینی شرایط کتابخانه‌های آموزشی، غنی‌سازی آن‌ها، و تقویت روحیه‌ی پرسشگری در بین دانش‌آموزان، کتابخانه‌ی مدرسه را به «خانه‌ی تولید دانش» تبدیل کنیم. به امید روزی که کتابخانه‌های آموزشی پربار و بانشاط‌تر از سابق شوند و معلمان عزیز به همراه دانش‌آموزان، زنده‌ترین اوقات آموزشی را در فضای کتابخانه سپری کنند.